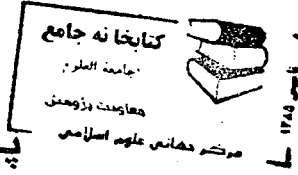


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٥



۱،۴

پایان نامه

«کارشناسی ارشد»

مدرسه علمیه مرعشیه
مرکز جهانی علوم اسلامی

گرایش:

فقهی

موضوع:

دفاع مشروع در اسلام

(رقمیت اول)

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین آقای عزیزالله فهیمی

محقق:

محمد عارف کریمی

تاریخ: سال ۱۳۸۰

۱۱۵۱۸۴۳

فهرست مطالب

پیشگفتار: ۶

بخش اول

کلیات ۱۴

فصل اول: ۱۵

تاریخچه دفاع مشروع ۱۵

گفتار اول: دوران کهن تا پیش از طلوع اسلام: ۱۸

گفتار دوم: تاریخ دفاع مشروع از آغاز بعثت تا دوران حاضر ۲۷

فصل دوم: تحول تاریخی دفاع مشروع ۳۸

گفتار اول: دوران پیش از قرن ۱۸ میلادی ۴۰

گفتار دوم: تحول تاریخی حقوق جزا در دوران پس از قرن ۱۸ میلادی ۵۰

فصل سوم: تعریف دفاع مشروع ۵۷

گفتار اول: تعریف جزء جزء واژه دفاع و مشروع ۵۹

گفتار دوم: تعریف دفاع مشروع به عنوان مجموعه واحده ۶۱

الف: برخی تعاریف بسی عام و گسترده بیان شده است ۶۲

ب: تعریف دفاع مشروع در حقوق شرعیه: ۶۴

فصل چهارم: هدف دفاع مشروع: ۶۹

فصل پنجم: وظیفه دفاع مشروع ۷۱

فصل ششم: حق دفاع تعریف دفاع مشروع ۷۷



- فصل هفتم: تقسیم دفاع مشروع ۷۹
- فصل هشتم: فلسفه مشروعیت دفاع مشروع ۸۲
- گفتار اول: نظرات اندیشمندان بیرون دینی ۸۳
- گفتار دوم: نظر اسلام و علمای اسلام و محققان مسلمان ۹۰
- الف: غیر نقلی ۱ - فطری: ۹۰
- ب: دفاع مشروع در قلمرو نقلیات و متن‌های اسلامی: ۹۷
- ۱ - قرآن کریم: ۹۷

بخش دوم

- جزئیات ۱۰۱
- فصل اول: ۱۰۲
- گفتار اول: آشنایی با مفاهیم ضروری ۱۰۲
- جنایت در لغت: ۱۰۴
- گفتار دوم: تحلیل مطالب مطالب گفتار اول ۱۰۸
- فصل دوم: بیان موارد دفاع مشروع در اسلام و احکام آن در اسلام ۱۱۴
- الف: مفهوم نفس: ۱۱۵
- اهمیت نفس در جهان بینی الهی و حقوق اسلامی: ۱۱۶
- ج: احکام دفاع از نفس: ۱۱۷
- ۲ - قذف: ۱۲۵
- ۳ - نگاه حرام: ۱۲۷



- ۴ - لواط: ۱۲۹
- گفتار سوم: احکام دفاع از مال: ۱۳۰
- گفتار چهارم: درباره دفاع از دیگری ۱۳۷
- فصل سوم: شرایط دفاع مشروع ۱۴۳
- مبحث نخست شرایط مربوط به تجاوز و متجاوز ۱۴۳
- گفتار اول: «خطر» ۱۴۵
- گفتار دوم: خطر باید حال باشد ۱۵۱
- گفتار سوم: خطر باید حقیقی باشد ۱۵۴
- بحث دوم: شرایط مربوط به مدافع و دفع ۱۵۹
- گفتار اول: شرط ضرورت: ۱۶۰
- گفتار دوم: شرط تناسب: ۱۶۵
- فصل چهارم: تجاوز از حدود دفاع ۱۶۹
- فصل پنجم: «اثر دفاع مشروع در اسلام» ۱۷۳
- فصل ششم: اثبات دفاع مشروع ۱۸۴
- خاتمه ۱۸۹
- الف) موازنه اجمالی بین قانون دفاع مشروع در اسلام ۱۸۹
- ب: موازنه اجمالی بین حقوق عرفی و حقوق اسلام ۱۹۲
- فهرست منابع و مأخذ: ۱۹۷

پیشگفتار:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على خير خلقه محمد و اله الطاهرين
قال رسول ﷺ: انما اهلك الذين من قبلكم انهم كانوا اذا سرق فيهم الشريف تركوه و اذا
سرق فيهم الضعيف اقاموا عليه الحد. ^(۱) ترجمه: مللی قبل از شما به هلاکت رسیدند برای اینکه
اگر شخصیت‌های بزرگ بین آنها دزدی میکردند متعرضشان نمی‌شدند و وقتی مردم
ضعیف از بین شان دزدی میکردند قانون جزا را درباره آنها اجراء می‌کردند.
به اجماع پیروان شریعت مقدس اسلام مکتب اسلام، مکتبی جهانی می باشد و
هست، و متن مقدس شریعت اسلام گواه صادق بر ادعای فوق می باشد و دین اسلام شاه راه
انسانی و اسلامی است و این شاه راه در زمان‌های گوناگون بوسیله انبیاء به بشر ابلاغ شده و
پیامبر خاتم ﷺ پایان بخش این سلسله جلیله بوده پس از پیامبر خاتم جانشینان بر حق وی



رسالت بیان این مکتب را بر دوش کشیده و اولین مجریان و مفسران آن میباشند و در زمان غیبت کبری این رسالت عظیم بر دوش فقهاء و عالمان دین واگذار شده است تا این بزرگواران با تأمل در متن شریعت و درک آن، آن را بروی انسانیت و جامعه بشری بعنوان قانون الهی بیان نمایند و راه رستگار شدن را نشان دهند، تا جامعه بشری با عمل به آن به راه تکامل سیر نمایند و بکمال دست یابند.

آری، دین خدا جهانی می باشد و قانون گذار آن خدای متعال می باشد و او برای تمام زاویه های زندگی بشر برنامه بیان نموده است و اینک این انسان است که با تأمل و تفحص در متن شریعت آن را درک نماید و برنامه عملی خویش قرار دهد، قانون الهی برای همه بشریت آمده و همه بشر در برابر آن برابرند و شریف، ضعیف، مرد، زن، رنگ، نژاد و زمان مکان در آن تاثیر ندارند و این قانون مطلق است و برای همه بصورت مساوی می باشد و همه زمانها و در همه مکانها همه باید از آن اطاعت کنند و به آن عمل و همه در برابر آن مساوی اند و هر کس تخلف ورزد هر کسی که هم باشد مجرم است و باید مجازات شود و به سزای عملش برسد و قانون درباره وی باید اجرا شود.

میزان در این مکتب حقیقت و عدالت است و بر مبنای این میزان هر کسی و هر شخصی بر خلاف چارچوب قانون عمل نماید مجرم است و محکوم، باید بسزای عملش برسد عدی بن حاتم درباره مجری عادل قانون خدا یعنی علی علیه السلام میفرماید: لا یطمع القوی فی باطله و لا یأس الضعیف من عدله. ترجمه علی چنان دقیق و صریح قانون عدالت گستر



اسلام را اجراء می نمودند که زورمندان در اجراء مقاصد باطل خود طمع نمی کردند و مستضعفان از فیض عدل اسلام مأیوس نمی شدند^(۱).

آری، ماهیت قانون اسلام یعنی عدالت و وقتی ماهیت قانونی چنین باشد و ذات آن عدالت باشد و از سوی مجری آن علی مرد عدالت باشد جز این انتظار باطل است، خان و فقیر سیاه و سپید، امریکائی، آسیائی، در برابر آن یکی میباشند و آنچه هدف است اجرای عدالت است و بس، مجرم هر شخصی باشد از هر قومی باشد از هر کشوری باشد، باشد، تفاوت و امتیازی پذیرفته نیست و مجرم محکوم است و باید در چارچوب قانون مجازات شود، عربیت، عجمیت و دیگر امتیازهای متصور تأثیر در اجراء حکم ندارد باید به عدالت عمل شود و همه در پیشگاه قانون مساوی اند.

«ربرت هوگوت جاکسون» دادستان دیوان کشور آمریکا در ضمن مقدمه که بر کتاب حقوق در اسلام نوشته به ارزش عدل در اسلام چنین ابراز نظر نموده است: مطلب عمده اینست که ما تازه شروع کرده ایم به تشخیص این نکته که این مذهب جوانترین مذاهب در دنیا است و فقهی ایجاد نموده که حس عدالت خواهی میلیونها مردمیکه در زیر آسمان سوزان آسیا و آفریقا و چندین هزار نفر دیگر را که در کشورهای آمریکا زیست می کنند اقناع می نماید، هر چند ممکن است ما نسبت به الهام مذهبی حقوق آنها مشکوک باشیم معذالک حقوق مذبور درسهای بسیار مهم در اجرای قوانین بما می آموزد حالا موقع آن در



رسیده که تنها خودمان را در دنیا قومی ندانیم که عدالت را دوست میدارد و یا معنای آن را می‌فهمد زیرا کشورهای اسلامی در سیستم قانونی خود رسیدن به آن مقصد را نصب العین خود قرار داده‌اند^(۱) آری دین اسلام دین جهانی می‌باشد و برای بشر فرو افتاده نازل شده و برنامه چگونه زیستن را بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان نموده است و در کلیه جوانب متصور زندگی چه فردی چه اجتماعی برنامه دارد و بیان نموده است و زاویه را نمی‌توان یابید که اسلام در آن زاویه برنامه نداشته باشد نه تنها برای زیست انسان از تولد تا مرگ بلکه فراتر از آن برنامه دارد و بیان نموده است و بشر خاکی باید به آن بنگرند و تامل نمایند و درک کنند و به آن عمل نمایند و از جمله آن برنامه‌ها قوانین برخورد با مجرمان می‌باشد قوانین که در حقوق عصر حاضر از آن به «حقوق جزای» تعبیر می‌کنند و وضع قانون برای این بخش زندگی از ضروریات و نیازهای اساسی بشر است چه تاریخ شهادت می‌دهد که امنیت و تامین امنیت از ابتدائی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز بشری است که آرزو دارد و می‌خواهد آرام زیست نماید علاوه اینکه تکامل بشری در همه جوانب روحی یا مادی نیازمند به امنیت است اگر انسان امنیت نداشته باشد نمی‌تواند برنامه‌اش را عملی نماید و وقتی نتواند عملی کند رشد نخواهد کرد و تکامل نخواهد یافت، و شکوفا شدن و بسطه یافتن انسان از جهت معنوی و مادی تنها در زیر سایه درخت پیر امنیت بر مبنای عدالت میسر می‌باشد و امنیت بستر رشد و شکوفا شدن می‌باشد و پیش شرط تکامل بشر و اجرای



عدالت و قانون می باشد گرچه در تداوم آن عدالت خود حامی امنیت خواهد بود و بتعبیر دیگر بین عدالت و امنیت ارتباط طرفینی می باشد.

معنای فوق، زمانی مهم تر جلوه خواهد نمود که به وجود انسان نظر افکنیم وجود انسان لبریز است از آرمانها و خواستههای گوناگون وجود انسان از دو بعد ترکیب یافته است بعد روحی و بعد مادی در ظرف وجودی او هم نیک خواهی و عدالت خواهی دیده می شود و هم کشیشهای نفسانی حال اگر بر آینه نیک خواهی او غبار نشینند و ظرف وجودی او از نیک خواهی عدالت خواهی فروکش نماید، تهی گردد و در مقابل خواستههای نفسانی، شهوانی و خصلت حیوانی او سر بر آورده و شعله کشد و نفس و ناموس معصوم را در شراره اش بسوزاند چه باید کرد؟

و چنانچه داستان فوق در طول تاریخ بوده و اینک به اوج خود رسیده و سرکوب هم هرگز راه حل نمی تواند باشد و تنها می توان از سرکوب کردن بعنوان آخرین راه حل سود و بهره گرفت و به ویژه که جامعه جهانی ادعائی رشد تمدن و فرهنگ انسانی در عصر حاضر را یدک می کشد چه باید کرد؟ روشن است که وضع قانون برای مهار آن و در نتیجه تامین امنیت بسیار ضروری است از نان خوردن هم ضروری تر، اسلام که داعیه برنامه جهانی برای سعادت بشر آنهم در تمام ابعاد زندگی دارد و در این زمینه نیز اگر اندک توجه به متون شریعت نمائیم بروشنی در خواهیم یافت که اسلام عزیز در این رابطه نیز قوانین معین دارد و اعلام نموده است و (جزوه دفاع شروع) به همین زاویه نظر دارد و در حقیقت جزوه دفاع



مشروع که پیش روی شما می باشد برای پاسخ پیرشش های اساسی که امروزه بیش از هر زمان دیگری مطرح است می پردازد دلیل بیش مطرح بودن آن در این روزگار چنانکه ذکرش رفت اینست: که فرهنگ و تمدن بشری نسبتاً رشد یافته است، و بشر امروز ادعا دارد که با فرهنگ می خواهد روزگار سپری نماید.

پرشش های ازین قبیل: حال که ایمان داریم که دین اسلام داعیه جهانی و برنامه جهانی برای بشریت دارد و اصحاب راستین اسلام همیشه ادعائی فوق را ابراز نموده اند آیا در رابطه با دفاع مشروع برنامه دارد؟ اگر برنامه دارد آن برنامه چگونه و با چه شرایط می باشد؟ و تا کدام حد دفاع را مشروع میدانند؟ آیا سیستم مشخص وجود دارد؟ و اصلاً دفاع مشروع در اسلام یعنی چه؟

این پرسش ها زمانی بیش تر جلوه گر می گردد که بدانیم در قوانین عرفی کشورها و در قوانین بین الملل مسله دفاع مشروع مطرح شده و متون در این باب تدوین گردیده و تعاریف سیستماتیک - حال به هر صورت کامل یا ناقص - ارائه شده است و این در حالی است که از سوی علم بدو شان مکتب مقدس اسلام و بویژه اصحاب علم فقه متن مدونی و کاری چشم گیری در این زمینه صورت نگرفته است و تعاریف روشن از آن انجام نیافته و بیان نشده است و اصلاً بعنوان یک موضوع مستقل آن را نمی توان یافت و بیشتر بصورت احکام، آنهم بسیار پراکنده و مشتت در لابلای متون پر حجم و سنگین فقهی بیان شده است می توان پیدا کرد بطوریکه پژوهش گران اگر در این باره اقدام نمایند بیرون آوردن آن



از میان متون تودرتوی فقه ناممکن نیست اما کار آسان هم نمی باشد و باید رنج کشید و بسیار کوشید تا آن را دریافت و بیرون آورد بویژه که زمان زمان دیگر شده و روش ها و ابزارها تغییر نموده چه بسا اگر بدانیم که دنیای کنونی انسانها هایی یافت می شوند که بدنبال حقیقت آند و شب و روز در جستجوی آن.

در یک کلام ما متن در خور زمانه در این زمینه نداریم و هنوز تولد نیافته است در حالی که زمانه، زمانه دیگری است و تبادل اطلاعات بویژه در ساحه فرهنگ و اندیشه از ویژگی روزگار ما می باشد اگر گفتمان در ساحه سیاست... را قبول نداشته باشیم ولی در دیگر حوزه های فرهنگ و دانش انسانی چون حقوق ناچار و ناگزیر باید پذیریم و پذیرفتن اصل «گفتمان» همان و وارد معرکه شدن همان، در حوزه های علمیه مسئله فقه و حقوق از مسایل است که بسیار وسیع بحث شده و مطرح شده است و می توان گفت که مرکزیت در دست علم فقه و حقوق است بطوریکه هر عالم حوزوی یا بتدریس آن و یا به فراگرفتن آن مشغول است، یک حوزوی در طول عمر خود در حوزه کمتر بدیگر شاخه های علوم انسانی می پردازد ولی به همه آنچه بیان شد هنوز در زاویه های کاستی بچشم می خورد مثل همین مسئله اصل دفاع مشروع که در این جزوه پیگر، آن میباشیم دلیل انتخاب من این موضوع را شاید یکی همین مسئله فوق باشد البته من چنانچه از بضاعتم روشن است هیچ داعیه ندارم اما بهر حال این یک گام می باشد آنهم در این وادی وسیع.

در همین جا چه خوب است که از همه کسانی که بنحوی مرا در به ثمر رسیدن این



جزوه کوچک یاری کردند تشکر نمایم و خداوند اجر جریل به آنان عطاء فرماید بویژه از استاد خوبم جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای عزیز اله فهیمی که استاد رهنمایم بودند و زحمت فراوان را متحمل شدند سپاسگذارم و نیز از دفتر کتابخانه تخصصی مرکز مطالعات فقه و حقوق سازمان تبلیغات که همکاری خوبی نمودند.

در پایان این مقدمه لازم است متذکر بشوم که:

این جزوه در دو بخش و یک خاتمه تنظیم شده است و در پایان فهرست منابع عنوان شده است. در بخش اول در زمینه کلیات مسایل مربوط به موضوع دفاع مورد بحث قرار میدهم. در بخش دوم به بیان احکام و جزئیات مسائل تا آنجا که لازم و ضروری بنظر میرسد ببحث می پردازم. و هر بخش را به فصول و هر فصل را به گفتارهای تقسیم و تنظیم نموده‌ام. انشاءالله در پی به تفصیل خواهد آمد و امیدوارم که این اندک مقبول درگاه حق قرار گیرد.

قم ۱۳۸۰ / ۸ / ۱۷

محمد عارف کریمی

بخش اول

کلیات

در این بخش به چند فصل پرداخته می‌شود که به ترتیب به تحریر آن می‌پردازیم.

فصل اول:

تاریخچه دفاع مشروع

این فصل در واقع پاسخ به این پرسش است که: دفاع مشروع از چه زمانی شروع شده است؟ آیا اصلاً در تاریخ چنین چیزی وجود دارد؟ چنانکه از تاریخ بر می‌آید و محققان بر آن تاکید دارند اینست که: «اصل دفاع» ریشه در دوران کهن دارد و از هنگامی که انسانها به زندگی آغاز کرده‌اند و از روزگاری که صفحات تاریخ بثبت وقایع و حوادث پرداخته‌اند تا آنجا که تاریخ بدست ما رسیده و از گزند حوادث سالم مانده اصل دفاع در سطر سطری تاریخ بچشم می‌خورد و خود تاریخ گواه صادق بر این مدعا می‌باشد.

«انتقام» که سر فصل اصل دفاع در «حقوق جزا» شمرده می‌شود و سر آغاز اصل دفاع در گذشته‌های دور بوده و در صفحات تاریخ نقش بسته و مسئله دفاع مشروع همیشه و پیوسته بود و وجود داشته است. از زمان که بشر به پیشرفت نسبی نائل گردیده و رشد



فرهنگی را نصیب شده و تعقل و خرد ورزی جایگاه پیدا کرده است و بشر پیر سال کودک فکر بالغ شده است «انتقام» از رونق افتاده و جایش را به «اصل دفاع مشروع» واگذار نموده است.

و بشر با رشد فکری فرهنگی دست به تفکیک «مفهوم دفاع» از «مفهوم انتقام» زده و به آن پرداخته است تا اینکه در عصر روشن گری در نظام قانون گذاری عرفی و با طلوع خورشید هدایت بخش اسلام در عصر طلوع اسلام انتقام محکوم و نوع تجاوز و توحش قلمداد گردیده و اصل دفاع مشروع بعنوان یک اصل انسانی و اسلامی پذیرفته شده است. فراموش ننمایم که سرآغاز اصل دفاع با «انتقام» بود. ولی در حقیقت دفاع سنت طبیعی حاکم بر جهان ماده و دنیای تزامم بوده و هست و حیوانات هر گاه مورد حمله واقع گردیده اند به دفاع از خود پرداخته اند و دفاع در بین حیوانات یک اصل غریزی است و اصلی حاکم بر جهان ماده است در این میان دفاع انسان نه تنها یک اصل غریزی و یک سنت حاکم بر سراسر گیتی است بلکه یک اصل فطری^(۱) و وجودی است، یعنی دفاع جزء ذات آن شده است و لذا انسان دارای حس جذب و دفع می باشد و در آینده نوشتار بزرگان را که چنین اعتقاد دارند و ابراز نموده اند را خواهیم نوشت.

پس اصل دفاع نه تنها از صبحدم زندگی انسانی تولد یافته بلکه اصل دفاع با تولد وجودی انسان تولد یافته است و نیز اصل دفاع یک اصل قانونی است و اصلی است حاکم

۱ - غریزی: یعنی اینکه: چیزی جزء ساختمان نبوده است ولی در آن کار گذاشته شده است و فطری بر عکس آن است و غریزه چیزی کشیشی جبری و نا آگاهانه است و فطری چیز است بصورت آگاهانه و انتخابی نه جبری



برگیتی و عالم تزام. و در تاریخ نیز چیز است قطعی و مسلم و در پی به بررسی آن در
لابلای تاریخ می پردازیم تا ببینیم که چنین مسئله در تاریخ بوده و واقع شده است در
حقیقت گواه تاریخی بر مدعای فوق می آوریم و نمونه هایی ذکر می نمایم.
اندیشمندان هر گاه به این مسئله پرداخته اند با روش های گوناگون ویژه خویش به آن
پرداخته اند اما من مسئله را به دو دوره تقسیم می نمایم: و آنچه که در واقع اثبات کننده
چنین ادعای در تاریخ است را در دو گفتار بیان می کنم:

گفتار اول

دوران کهن تا پیش از طلوع اسلام:

از هنگامی که زندگی جمعی هر چند بشکل ابتدائی تحقق یافت مسئله «انتقام» نیز تولد و تبلور یافت و بر پایه دفاع و حفظ زندگی در قبال تهدیدات، صورت پذیرفت و با رشد نسبی فرهنگ‌های بشری بعنوان «مقررات جزای» در ادبیات حقوق جزای بشری پدیدار شد و نمود یافت البته تمام علت پیدایش آن تولد زندگی انسان نمی‌تواند باشد و همانطور که قبلاً گذشت عوامل چون سنت طبیعی حاکم بر عالم طبیعت و غریزی بودن و بخصوص فطری بودن آن در وجود انسان نیز در تحقق اصل دفاع دخیل بوده و مؤثر بوده‌اند، ولی تجسم عینی و تاریخی آن با پیدایش زندگی جمعی وجود یابیده و صورت عینی و وجودی به خود گرفته است در حقیقت امر اصل فطری بودن و سنت طبیعی بودن مسئله علاوه بر تجربه بشری مسئله را عینیت بخشیده است.

اکنون نمونه‌هایی از تاریخ کهن را حکایت می‌نمایم:

الف) در الواح دوازده گانه که چندین قرن قبل از میلاد حضرت مسیح تحریر شده مقررات در زمینه فوق وجود داشته و وضع کرده بوده است در الواح آمده: بر کسی که صدمه



وارد کند کیفری است و در صورت توافق طرفین دعوی مجازات تبدیل به غرامت نقدی می شده است و حد اکثر آن هم معلوم شده بوده است^(۱) قوانین الواح در سرزمین رم نوشته شده است.

ب) برخی^(۲) قوانین حمورابی^(۳) را اولین قوانین مدون میدانند که بصورت مدون تدوین یافته و برشته تحریر در آمده است و در آن، مقرراتی درباره دفاع بچشم می خورد و قانون برای مجازات افرادی که علیه تمامیت جسمانی فرد جنایتی و صدمه وارد کرده در آن پیش بینی و تعیین شده است..

در ماده ۱۹۶ آن آمده: اگر کسی چشم فردی از طبقه اشراف را بیرون کند در عوض باید چشم او را بیرون کرد و در ماده ۱۹۸ آن آمده اگر کسی استخوان فرد عامی را شکست یا چشم او را بیرون آورد باید یک مانا نقره بدهد، در ماده ۲۰۰ آن آمده: اگر کسی دندان هم رتبه اش را شکست باید همان دندان او را شکست^(۴)

ج) در دوران سولون^(۵) سرقت جرم عمومی تلقی می شده و تعقیب سارق به دوش دولت بوده است و قتل نفس جرم خصوصی تلقی می شده و تعقب قاتل وظیفه خانواده

۱ - حقوق جزای عمومی ایران ج ۲ ص ۷ ایرج گلدوزیان. دوره حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری ج ۳ ص ۲۱۵ مرتضی محسنی. حقوق جزای عمومی ایران ج ۱ ص ۱۹۳ پرویز صانعی.

۲ - ویل دورانت ترجمه احمد آرام ج ۱ ص ۳۴۸

۳ - حمورابی ششمین پادشاه بزرگ بابل است که در ۲ تا ۳ هزار سال قبل از میلاد میزیسته و برخی از آن راعمورابی نوشته اند بعنای عموی بزرگ منشور حمورابی مقرراتی است که وی وضع نموده است. قانون نامه حمورابی ترجمه کامیارعبدی

۴ - العطار دفاع مشروع ص ۳۵. حقوق جزای عمومی ایران ج ۲ ص ۳۷ گلدوزیان. دوره حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری ج ۳ ص ۲۱۴ مرتضی محسنی.

۵ - «سولون» در دوران ۵۵۸ تا ۶۴۰ پیش از میلاد میزیسته است.



مقتول بوده است^(۱)

د) در شریعت حضرت موسی علیه السلام مقررات شدید مجازاتی وضع شده و شدت آن ناشی از مقام و عظمت انسان دانسته شده است، در سفر تکوین آمده:

انتقام جان انسان را بدست برادرش خواهیم گرفت هر آنکه خون انسان را ریزد خون وی؛ بدست برادرش خواهد ریخت و ریخته می شود چه انسان را خدا بصورت خود ساخته است در سفر اعداد آمده است: هر کس شخصی را بکشد پس قاتل بگواهی شاهدان باید کشته شود و هیچ فدیة در عوض مگیرید و قاتل باید کشته شود^(۲)

ح) شریعت حضرت عیسی علیه السلام در این شریعت و در واقع برداشت از این شریعت در رابطه مسئله فوق نظرات گوناگون ابراز شده است.

برخی^(۳) معتقدند که اصل دفاع در این شریعت نفی شده است و آئین جزای در آن وجود ندارد و آورده اند که در انجیل متی آمده: شنیده اید که گفته شده دندان در برابر دندان چشم در برابر چشم لیکن من به شما ابلاغ می نمایم باشریر مقاومت مکنید و هر که به رخساره راست تان سیلی نواخت گونه چپ تان را نیز بسوی او بگردان^(۴) این گروه از نظریه پردازان با توجه به متن انجیل و با تکیه بر جهان بینی که این شریعت در دنیا منتشر نموده است میگویند: که دین حضرت عیسی علیه السلام بر صلح و محبت بنا شده است و در کل از آن

۱ - حقوق جزای عمومی ایران ج ۲ ص ۴۳ گلدوزیان.

۲ - حقوق جزای خصوصی ج ۱ ص ۲۷، دکتر محمد هادی صادقی

۳ - همان. ۴ - همان.